

## آیات تولید کشاورزی را باید بر تولید صنعتی مقدم شمرد ؟

کلیه اقتصادیان معتقدند که تسریع رشد و نمو اقتصادی و در هم شکستن دور تسلسل مشکلات اقتصادی و موانع توسعه - سریع - ترین طریق بالا بردن تولید فردی میباشد تا بتوان درآمد ملی را نیز ترقی داد -

لیکن آیا باید تولید کشاورزی را بر تولید صنعتی مقدم شمرد اختلاف نظر پیدا میشود .

عده ای معتقدند که افزایش تولید فردی در قسمت کشاورزی باید مقدم شمرده شود در صورتیکه عده ای دیگر معتقدند که ایران باید صنعتی شود .

باید باین نکته توجه داشت که ایران با وصف پیشرفتهای صنعتی سنوات اخیر هنوز کشوری است کشاورزی و ۷۵ درصد جمعیت ایران را کشاورزان تشکیل میدهند و قسمت اعظم اجناس تولیدی و کالاهای صادراتی ما (غیراز نفت) مواد خام و محصولات کشاورزی میباشد و تقریباً بین ۶۰ تا ۷۰ درصد صادرات ایران را محصولات کشاورزی تشکیل میدهد قدرت تولید کشاورزان در کشورهای در حال توسعه تقریباً  $\frac{1}{3}$  قدرت کار و تولید کشاورزان امریکائی است .

از اینرو بیکاری پنهانی روستائی را میتوان یکی از موانع مهم رشد اقتصادی کشور ایران دانست در اغلب کشورهای در حال توسعه بعلت تراکم جمعیت در دهات و مزارع ، تولید نهائی عده کثیری از کارگران روستائی صفر است یعنی وجود آنها بهیچوجه باعث افزایش تولید نمی شود بلکه برعکس مصرف آنان موجبات پائین آوردن سطح زندگی کشاورزان دیگر میشود بعضی از علمای اقتصاد اشتغال این عده از کارگران زائد را به کشت و زرع یکنوع بیکاری مخفی نامیده اند بنابراین میتوان این عده از کشاورزان زاید را بدون اینکه از مقدار تولید محصولات کشاورزی کاسته شود از دهات خارج کرد و در طرحهای مختلف تولیدی - راهسازی - ساختمانی - سدسازی و غیره بکار گماشت .

بدین طریق با اخراج کارگران غیرمولد از مزارع و بکار گماشتن آنها در صنایع و طرحهای عمرانی بر مقدار سرمایه موجود بدون تقلیل مصرف افزود . البته برای جلب کارگران کشاورز زائد با اشتغال در امور تولیدی باید دستمزدی بیش از مزد سابق آنها پرداخت .

علت اساسی اینکه ایجاد سرمایه از این طریق در کشور - های در حال توسعه چندان معمول نگردید فقدان **مدیران گاردان و رهبران باکفایت** است که تا بتوانند با ارشاد و هدایت و تجهیز نیروی انسانی کارگری در اجرای طرحهای تولیدی اقدام نمایند این اثر

تا اندازه‌ای ملازمه با نهضت تعاونی دارد که در گذشته به آن اشاره کرده‌ایم .

برای تسریع بسط و توسعه اقتصادی کشور و از بین بردن دور تسلسلی فقط جائز نیست که به کشاورزی بیش از صنعت اهمیت داده شود زیرا توسعه کشاورزی در کشور موازنه با مکانیزاسیون نسبی کشاورزی دارد که اثر آن تشدید مشکل بیکاری پنهانی روستائی است ما باید برای صنایع نسبت به کشاورزی ترتیب بیشتری قائل شویم تا بتوانیم اثرات اقتصادی و اجتماعی افزایش جمعیت کشور به نسبت ۲۵ درصد درسال را از بین ببریم .

بدبختانه روستائیان ایران مثل سایر کشورهای مشابه در اثر نوع زندگی دلخواه تولید پاینده سنن و آداب و عادات قدیم و قیود مذهبی هستند و آمادگی کمتری برای پذیرفتن تحولات و تطورات جدید اقتصادی دارند . ازینرو باید بگوئیم که توسعه و رشد اقتصادی در کارخانجات و مناطق صنعتی بمراتب کمتر از مناطق روستائی با مقاومت و کارشکنی ها و تخریب مواجه خواهد شد چون ایران کشور بیست کشاورزی لذا اقتصاد ایران پیوستگی خاصی با صادرات مواد غذایی و کشاورزی دارد بدبختانه صادرات ما تابع نوسانات قیمت مواد خام در بازار های بین‌المللی با اصطلاح تابع هوسهای ممالک صنعتی است و این همان مبارزه گرسنه با سیراست که در کنفرانس ژنو مطرح نظر بوده است راه حل چنین مشکل بین‌المللی توجه بیشتری بتوسعه صنایع در کشور است . اصولاً کشور های کشاورزی تیول ممالک صنعتی است باید ایران را تدریجاً صنعتی کرد تا شیوع محصولات صنعتی اجازه بدهد که اقتصاد ایران تدریجاً از نوسانات قیمت های بین‌المللی مواد خام نجات یابد .

در رشته های صنعتی باید بصنایع مادر و اصلی مانند ذوب آهن - هیدروالکتریک - پتروشیمی و صنایع مصرفی و سرمایه‌گذاری که خود مولد صنایع ثانوی و فرعی میباشند توجه خاصی شود . قبول صنایع مادر توسعه اقتصادی کشور را سریع تر خواهد نمود در حالی که سرمایه‌گذاری در کشاورزی فقط کارگاه های دستی کوچک را تشویق خواهد نمود .

طرفداران برتری کشاورزی در توسعه اقتصادی استدلال مینمایند که با سرمایه‌گذاری کم و تغییر جزئی نحوه تولید میتوان سطح کشت و بازده کشاورزی را اضافه نمود در صورتیکه ایجاد صنایع ملازمه با سرمایه‌گذاری معتنابه داشته و مستلزم طول زمان است علاوه بر قلت یا فقدان سرمایه مسئله نیروی انسانی و نبودن و فقدان مدیریت است .

در واقع اقتصاد ایران در اثر کمبود کارگران آزموده و بسا سواد و فقدان رهبران و مدیران لایق نگران است ساختن کارخانجات ساده است آنچه که مهم است تربیت کارگران آزموده و کادر مدیریت و مهندسی و تکنیسین ها و سرکارگران ماهر میباشد .

ظاهراً این عده استدلال میکنند که در شرائط اجتماعی و اقتصادی کنونی نفع ایران در اینست که اهمیت بیشتری بسرمایه گذاری در توسعه کشاورزی داده شود.

این دسته استدلال می کنند که اگر توجه اساسی به صنعت شود دولت مجبور خواهد شد که در اثر هجوم روستائیان بشهرها مبالغ زیادی در زمینه های مسکن - بهداشت - فرهنگ که جنبه صد درصد تولیدی ندارد و زیر بنای اقتصادیات را تشکیل میدهد سرمایه گذاری نماید.

مطابق آمار کشور میزان سالیانه ولادت در ایران میان ۵۰ و ۵۰۰ هزار و میزان مرگ و میر در حدود ۲۱ تا ۲۴ هزار است بطور متوسط جمعیت ایران ۲۵ در سال افزایش مییابد اصولاً نمیتوان برای کشاورزی یا صنعت و تأثیر آن در توسعه اقتصادی برتری قائل شد

و این مسئله بستگی بطول زمان و کوتاه یا طویل المدت بودن آن در طرح ریزی برنامه های اقتصادی دارد بصارت دیگر در طرح ریزی برنامه های کوتاه مدت باید برای یکی از ایندو سیاست اقتصادی برتری قائل شد اما در برنامه های طویل المدت جد نمودن دو سیاست توسعه صنعتی و کشاورزی از یکدیگر غیر منطقی است و هدف اصلی باید همان سیاست سالم اقتصادی و تعادل و توازن اقتصادی مورد توجه اقتصادبونی امثال Lewis و رودان باشد سرمایه گذاری باید طوری باشد که علاوه بر ایجاد تعادل بین رشد کشاورزی و صنعتی تمام شئون اقتصاد و بهوازات یکدیگر رشد و پیشرفت نمایند.

این نکته را باید تذکر داد در کشورهایی نظیر ایران که تابع اقتصاد روستائی است تحولات صنعتی قبل از توسعه و رشد کشاورزی در مدت کوتاه باعث تورم و در مدت دراز باعث شهرنشینی خواهد بود که موجبات وقفه توسعه اقتصادی کشور را فراهم خواهد نمود. نباید تصور کرد که توسعه صنعتی مانع توسعه کشاورزی است بلکه این دو توسعه مکمل یکدیگرند.

توسعه اقتصادی ایران ایجاب مینماید هم عرض توسعه کشاورزی و بهوازات آن بتوسعه صنایع اقدام شود. حال باید دید منظور از توسعه صنایع، توسعه صنایع سبک و متوسط و یا سنگین است؟

عالم اقتصاد معروف آلفرکان Kahn میگوید: «کشور های در حال توسعه باید از سرمایه های کمی که دارند بیشتر در توسعه صنایع سبک استفاده نمایند».

همانطوریکه بکرات متذکر شدیم کشور هائی نظیر ایران که در حال توسعه هستند باید در بادی امر قسمت عمده سرمایه خود را در راه توسعه صنایع سبک و صنایع مصرفی مثل قند و شکر - قماش - سیمان و غیره بکار ببرند البته روزی وارد مرحله ای از

دوره اقتصادی خواهند شد که حس خواهند کرد بدون وجود صنایع سنگین توسعه اقتصادی غیر ممکن خواهد بود.

سیاست صنعتی کشور ایران در سالهای اخیر مبنی بر تشویق صنایع سبک بوده است و از این راه کالا های مصرفی جز قند و شکر بدرجه اشباع رسیده است در سال ۱۳۴۲ محصول سیمان فقط ۵۳ هزار تن بوده الان به ششصد هزار تن بالغ شده است.

صنعت نساجی کشور به ۴۰۰ میلیون متر رسیده و زائد بر احتیاجات کشور و میتواند صادر شود.

**الآن توسعه صنعتی در کشور بمرحله ای از ترقی و تکامل رسیده است که باید از این بعد بیشتر هم دولت مصروف ایجاد صنایع سنگین و توسعه آن شود.**

دولت با تغییر سیاست صنعتی فعلی کشور و تخصیص سرمایه گذاری در صنایع سنگین میتواند تمام یا قسمتی از سرمایه گذاری صنایع سبک را بقسمت صنایع سنگین متوجه سازد.

در برنامه هفت ساله دوم قسمت عمده بودجه اختصاص بتوسعه و تشویق صنایع سبک در کشور داشت.

ولی باید در برنامه سوم سرمایه گذاری صنایع بیشتر در رشته صنایع سنگین تخصیص داده شود.

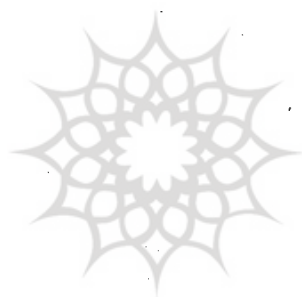
دولت باید قسمتی از سرمایه لازم برای توسعه صنایع سنگین

را از مؤسسات اعتباری بین المللی با قسط بلند مدت و طولانی قرض کند. ایجاد چنین تعهداتی با توجه باینکه وام های مزبور جنبه مصرفی ندارد خطرناک نمیشد و با موازین اقتصادی انطباق دارد چه آنکه اینگونه وامها بمصارف امور تولیدی و توسعه صنعتی خواهد رسید. وام برای مصرف خطرناک است نه وام برای تولید. ممکنست عده ای این ایراد را کنند که اگر سیاست دولت به توسعه صنایع سنگین قرار گیرد و کمک های دولت در راه توسعه صنایع سبک قطع شود وقفه ای در پیشرفت صنایع سبک تولید خواهد شد. بهیچوجه جای نگرانی نیست زیرا نصیب سرمایه گذاری خصوصی در این راه موفقیتهای مالی قابل توجهی شده و آنها بدون کمکهای مالی دولت میتوانند در رشته صنایع سبک فعالیت نمایند.

عده ای که مخالف صنایع سنگین میباشند کمبود کادر مدیریت و کارگران مجرب را بهانه میکنند و حال آنکه دولت ایران هنگام شروع صنایع سبک نیز با این مشکل مواجه بود. دولت می تواند بدون هیچگونه هراسی بتوسعه صنایع سنگین شروع کند و همراه آن وبموازات آن مدیران و کارگران آزموده تربیت خواهد شد.

**بعقیده هیئت تحریریه این مجله تغییر سیاست صنعتی دولت و توجه بیشتر به صنایع باعث تسریع رشد اقتصادی ایران خواهد شد و استقلال اقتصادی ایران را تأمین میکند.**

قبول صنایع سنگین اقتصاد ایران را از تبعیت نوسانات اقتصاد جهانی نجات خواهد داد نتیجه مؤثرترین راه توسعه اقتصادی کشور افزایش تولید فروش در قسمت صنایع و در قسمت کشاورزی است از این مقاله چنین نتیجه میگیریم که توسعه صنعتی همراه و هموزان توسعه کشاورزی باید صورت بگیرد هر دو مکمل یکدیگرند و نمیتوان برای آنها برتری قائل شد و ایران الان بمرحله ای رسیده است که باید صنایع سنگین ایجاد شود و توسعه یابد در قسمت تولیدات کشاورزی باید سیاست تولید شدید و استفاده بهتر از اراضی زیر کشت بمنظور افزایش تولید اتخاذ شود .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی